

بقیه از شماره های پیش

آغاز جراحی

نکارش

دکتر نعمت الله کیهانی

دانشیار کالبد شناسی دانشکده پزشکی

ومتصدی تدریس کالبد شناسی هنری هنر کده

جراحی تنها جنبه علمی ندارد بلکه دارای جنبه صنعتی نیز میباشد و یا به بیان دیگر جراحی علمی است غامض و مشکل و بکار بردنش نوعی از هنر بشمار میرود و بدین سبب با قوانین ثابت و اساسی بعضی از علوم وفق نمیدهد و بلکه خصائص اخلاقی شخص جراح دارای اهمیتی بالاتر و عالیتر از آن قوانین میباشد.

علم پزشکی صنعتی بزرگ و ظریف است ولی با جراحی که هر روز سبب ادامه زندگی یا مرگ آنی است اختلاف کلی دارد. یکی از خصائص ممتاز پزشکی عالیمقام صنعت تشخیص است ولی گویا بعضی از پزشکان بقدرت پزشکی چندان توجه نکرده و رفته رفته بیشتر اوقات علاج بیماری را تنها بدست طبیعت و قوای درونی بدن و امی گذارند در صورتیکه مواظبت بیمار با بهترین روش صنعتی است که اغلب پزشکان دارا بوده و در سرعت علاج بکار میبرند. پزشکان بزرگ اوقات خود را بیشتر بمطالعات سریری و تجسس های آزمایشگاهی مصروف داشته و کمتر برای مواظبت و تماس با بیمار وقت دارند و اگر برنجوری نزدیک شوند برای جستجوی علائم و سبب های اصلسی بیماری و کشف دارو و درمان حقیقی آنست - اینان که ظاهراً ایمان درستی بعلاج بیماری نشان نمیدهند باهوش سرشار و کار دائم و فوق العاده خویش در فن علاج کمک شایان تری بنوع بشر مینمایند و در نتیجه مساعی آنان است که امروزه همه کس از نتایج عالی و مفید درمان بوسیله واکسن و سرم بهره مند میباشد از اینرو معالجه و جلوگیری هاری و خناق و حصیه و کزاز و حتی طاعون از بزرگترین پیشرفت های پزشکی بشمار میرود.

باید دانست که روح تجسس و اشتغال در جراح کیفیت خاصی دارد. البته تشخیص

بیماریهای جراحی بجای خود صنعت مشکلی است. زیرا اگر اغلب تشخیص دقیق به آسانی تعیین میشود اما گاهی با وجود وسائل جدید و کامل که در دست است تشخیص غیر ممکن میباشد. بعضی اوقات گویانکه تشخیص اساس تصمیم میباشد اصرار در آن فایده چندان ندارد و آنچه در بادی نظر از جراح چشم دارند تعیین لزوم عمل میباشد و در آن بیشتر جراحان با داشتن کمی تجربه و هوشیاری توافق نظر حاصل میکنند. این جا است که اختلاف بزرگ پزشکی و جراحی هویدا میشود. بدین معنی که جراحان به قدرت و توانائی صنعت جراحی ایمان قطعی داشته و بمؤثر بودن آن معتقدند این است که کارهای آزمایشگاهی پر زحمت را پزشکان واگذارده و کار پر زحمت تر اطاق عمل را خود عهده دار میشوند و برآستی باید گفت که تمام هم يك جراح حقیقی باید فقط بعمل مصرف شود و دستهای خود را بزرگترین و عالیترین کار که تجسس در داخل بدن انسان میباشد مشغول سازد.

بدون شك جراحان بزرگی یافت میشوند که بکارهای آزمایشگاهی و مطالعات سریری نیز اشتغال میورزند و مقام بزرگ خود را ارجمند میسازند و علاوه بر جراح بودن در زمره دانشمندان قرار میگیرند ولی آنچه که در خارج عمل جراحی انجام میگیرد دیگر جراحی نبوده بلکه قسمتی است از پزشکی.

تنها منزلت و مقام جراح منوط و مربوط بعمل جراحی است بنا بر این استحقاق عمل کردن و عملی که بستگی کامل بحیات و ممات نوع بشر دارد محققاً لازمه اش بینائی و دانش است و جراح باید بخوبی بداند که دستهایش در هنگام عمل که با گوشت و پوست انسان سروکار دارند کمترین ضعف و تردیدی نداشته و همچنین وظیفه دار است که از پیش با اهمیت و نقشی که دستهای او در موقع عمل عهده دار است پی ببرد.

شناسائی و ایمان بشغل جراحی در جراح ایجاد اطمینان میکند و این اطمینان فقط در نتیجه تمرین و تربیت صحیح و جدی در طول سالیان دراز بدست میآید.

واضح است علم جراحی برای اشخاصیکه میخواهند روزی جراح نامیده شوند لازمه اش دانستن است ولی صنعت جراحی عبارت از راه و روش خاصی است که هر جراح اطلاعات قبلی را بکار میبرد و این روش صنعتی باشخص عمل کننده بوجود میآید باید دانست که اساس و بنیان حقیقی و غیر قابل تغییر علم و صنعت جراحی

کالبد شناسی است و بدون شناسائی دقیق بساختمان کالبد انسانی جراح خوب شدن

بزرگترین منبع و منشأ که جراح میتواند از آن عناصر اصلی و مهم جراحی را فرا گرفته و اثر عمیقی در روح خود باقی گذارد همانا کمک جراح شدن است زیرا که از نزدیک بتجربیات و طرق مختلف حرکات دقیق و ظریف یکعمل شخصاً شرکت نموده و خود را باشکال و اقسام مختلفه صنعت جراحی عادت میدهد و مخصوصاً در این هنگام است که شاگرد آموزش جراحی را آغاز میکند - دستها بکار جراحی آشنا شده و روحش تعلیم مییابد - اگر استاد دارای خصائص اخلاقی مقتدر بوده در مهارت و چابکی سرتمشق دیگران باشد در شاگردان آثار عمیق و همیشگی و برای تمام عمر باقی میگذارد - از طرف دیگر در مقابل مزایای خدادادی ممکن است استاد دارای معایب بزرگی نیز باشد که بشاگرد تأثیر نماید بنابر این تربیت اولیه جراح جوان دارای اهمیت اساسی است. خوبست که دانشجویان و کارورزان بیمارستانها طرز عمل تمام استادان را بتناوب مشاهده کرده و کمک جراح شوند بدین طریق جراحان را باهم مقایسه کرده صفات نیک و هنرمندی هر یک را جداگانه دریابند و بهتر این است که جراح جوان تنها بایک استاد و استاد بزرگ کار نموده عادات و معایب و خصائص اخلاقی و اشتباهات و قضاوتهای او را صرفاً تقلید نکند. این را شاگردان استادان بزرگ میگویند که حاصل آن بهر صورت آنچه را که بطور عموم مورد لزوم دانش جراحی است از تحصیل دقیق کالبد شناسی و امتحان ممتد بیماران و مطالعه کتب و استماع دروس همه روزه استادان و بالاخره رفت و آمد باطاق عمل سایر همکاران بدست می آید ولی جراح حقیقی شدن و مقام استادی را اجرا نمودن علاوه بر علم و تجربه که در دسترس علاقه مندان بکار جراحی است مستلزم یک رشته خصائص اخلاقی شخصی است که بکلی از علم و تجربه و کار برکنار بوده بتنهائی میتواند فن جراحی را بزرگی و توانائی بخشد. روح و ذوق جراحی مقدم بر هر چیز است و بر حسب اشخاص صنعت جراحی را بصورتهای مختلف نمایان ساخته بترقی و تعالی میرساند. صنعت تنها بدون ذوق و ذوق بدون صنعت مخصوصاً در مواقع تصمیم و اجرای عمل دارای هیچ نوع ارزشی نخواهد بود. جراح با ذوق در موقع تصمیم گرفتن تصمیمی که ممکن است در عین حال و عده حیات و ممات باشد و همچنین در آغاز یک عمل جراحی ندای درونی مخصوصی او را هدایت میکند. رموز علم و صنعت خود را امتزاج داده دلائل شناسائی بیماری و مسیر تکامل و عوارض ممکنه آنرا با احساسات شخصی که فتح و ظفر میباشد توأم میسازد. اغلب اوقات دیده میشود که در عملهای فوق العاده دشوار مثل سرطان زبان و معده و یا زخم و غیره با کمال تعجب یک

جراح عمل نکردن و دیگری عمل کردن را دستور میدهد زیرا یسلی با تجربیات قبلی و عملهای شبیه بان که خود انجام داده است خاطره بدی داشته و این عمل را دشوار و خطرناک میپندارد دیگری مکرر همان عمل را با مهارت شخصی بخوبی انجام داده و عمل کردن را مفید و آسان میداند و همین مهارت و چابکی است که در صنعت جراحی عامل اصلی بوده و روح و ذوق جراح را برای تصمیم آماده میسازد. جراح واقعی ذوق و مهارت هر دو را بیک میزان بکار میبرد زیرا مهارت تنها و قشنگی عمل کافی نیست بلکه فواید و نتایج بعدی و خدمت به بیمار و هموع را همواره بایست در نظر داشت. هیچکس مانند جراح نیست که آنقدر روحش در معرض امتحانات سخت قرار گیرد. هر روز مسئولیتی را در مقابل خود مجسم می بیند هر ساعت با انواع مختلف و از گوشه و کنار از او خواهش و درخواست میشود که به بالین بیمار رفته و زندگی بیمار را بدست بگیرد زندگی بیماری که بعضی اوقات از نظر اجتماعی اهمیت فوق العاده دارد از قبیل بیماری اطفال جدیدالولاده و زنها بخصوص زنهای جوان که بوجود آورنده اطفال میباشند.

جراح لایق باید دارای روحی قوی بوده و در مقابل بزرگترین و سختترین مسئولیت ها تاب مقاومت داشته باشد. بی شك این اضطرابهای شدید و تکانهای روحی که لاینقطع تکرار میشود بنخونسردی او افزوده و عادت میشود زیرا انسان همه چیز حتی به بدبختی و رنج بیماران عادت میکند معذالك جراح در مقابل حقایق تلخ زندگی نمیتواند در تألم و تأثر خودداری نماید. استحکام روحی و داشتن جرئت فقط در برابر مسئولیت کافی نیست وجود ملایمت و آرامی و متانت نیز لازم است. اخلاق تندچه در عمل وجه در هنگام صحبت با بیماران بیچاره و رنجور ناپسند می باشد. این نکته را همیشه باید جراح بداند که مراجعینش جسماً و روحاً رنج میبرند. بیماری که زندگی منوط و مربوط بیک عمل جراحی است چگونه میتواند که نگران و مضطرب نباشد با اینکه عمل جراحی و وحشت از آن دیگر قابل مقایسه با پیش نیست زیرا عده عمل شدگان بی حد و اندازه زیاد گردیده و بی خطری و بی آزاری عمل جراحی بر همه روشن و هویدا میباشد و آن ترس و اضطراب قدیم تقریباً از بین رفته است. وقتیکه بیماری برای عمل شدن تصمیم میگیرد بخصوص که با اهمیت عمل هم تا اندازه واقف باشد نگران میشود. هر جراح میداند که عمل جراحی ممکن است بمرک منتهی شود بنابراین شك و تردید بیمار بدیهی است تنها ملایمت و حوصله و دلائل قانع کننده برای مفید بودن و لازم بودن عمل میتواند بیمار را مطمئن سازد. هرچه بیمار ضعیف تر و بدبخت تر باشد بیشتر حق

دارد که طرف توجه و مهربانی جراح قرار گیرد.

شک نیست که فکر و اراده نیک را باشخاص بی اراده باید تحمیل نموده و بقبول حوادث سخت که ممکن است خطرناک و ناگوار هم بشود باشخاص بی تصمیم و مردود و ترسو را مجبور کرد خلاصه جراح می بایست مقتدر و استوار و نیرومند بوده و در عین حال بداند که در مقابل هر بیمار چگونه ملایم و نیکو کار باشد. متانت و باحوصلگی نیز از صفات نیک جراحانی است که نسبت بخود اعتماد داشته و دارای روح محکم و استوار میباشند و لزوم این صفات مخصوصاً در هنگام عملهای جراحی سخت و واضح میگردد زیرا در موردیکه عمل مشکل در محیط آرامی صورت پذیر میباشدهیچ چیز بدتر از این نیست که جراح عصبانی شده و کمک جراح را هر لحظه مورد بازخواست و ملامت قرار دهد و آرامش و متانت لازمه خود را از دست بدهد. وقتیکه عملی رو بوخامت میرود نه تنها جراح نباید خود را گم کند بلکه سبب حواس پرتی کمک جراح نیز نباید بشود. مثلاً در عملهای گردن که پاره شدن بعضی از اعضاء مهم و شرائین و اعصاب و هجرای تنفسی زندگی بیمار را بسختی تهدید میکند بیشتر لازم است که جراح آرام بوده و نگذارد که اضطراب درو نیش ظاهر شود و تمام توانائی و فعالیت فکری را باید برای بهترین طرق نجات بیمار تمرکز دهد.

باید دانست که یک عمل جراحی نه تنها کار دستهای جراح است بلکه یک شاهکار دماغی است و در اینجاست که هوشیاری و قضاوت صحیح و روشن جراح لازمترین صفات روحی است که او را هدایت نموده و موقعیتهای دشوار را باسانی حل میکند بالاخره جراح باید روح تصمیم داشته باشد بخصوص تصمیم فوری و در موقع بروز مخاطرات که کوچکترین تأخیر جایز نیست با اینکه یک عمل جراحی تحت تأثیر دماغ اداره می شود معذالک صفات جسمانی مخصوصی نیز در این صنعت لازم است و آن ابتداء وجود دستهای قابل می باشد یعنی دستها محکم بوده و حرکاتشان ظریف و از روی اندازه معینی انجام گیرند و همچنین حرکات و حالات عمومی جراح باید منظم بوده از حد اعتدال خارج نشود قوای جسمانی و توانائی عضلانی نه تنها برای برش دادن عضوی بطرز نیکو بکار میرود بلکه جراح خوش بنیه هیچوقت بضعف اعصاب مبتلا نمیشود از همه مهمتر مقاومت به خستگی است زیرا بسیاری از عملها بعمل مختلف فوق العاده خسته کننده است یا بواسطه وضعیت خسته کننده که جراح ناچار دریک عمل بنخود می گیرد یا طول مدت عمل و یا در عملهای مشکل که مغز جراح دائماً کار کرده در تحت فشار قرار

میگیرد و از طرف دیگر حرارت فوق العاده اطاق عمل و مسموم شدن بواسطه بخارات فرار داروی بیهوشی که در فضای اطاق پراکنده است نیز باید در نظر داشت. اینست که جراح قوی البنیه ساعات متوالی و بدون آنکه ظاهراً خسته بنظر بیاید عملهای فوق العاده مهم و مشکل را بخوبی انجام میدهد. بالاخره موضوع جوان بودن جراح است مرحله ایست از زندگی که همه جراحان بدان رسیده و خواه نخواه آنروز گار جوانی را در موقعی پایان میرسانند جراح جوان حرکاتش با روح و سرریع بوده روش خاصی بعمل جراحی مینمیشد و در عمل با جرات و بعضی اوقات بی احتیاط بنظر میرسد معذالک در فن خود نارس بوده و فاقد تجربیات زیاد بخصوص در هنگام تصمیم های سخت و خطرناک میباشد. بنابراین نمیتوان گفت که جراح ضمناً باید جوان باشد بلکه باید گفت جراح نباید پیر باشد زیرا وقتی که پیری فرار سید و آن آتش درونی خاموش و تسکین یافت یعنی دستها شروع به لرزیدن نمود و چشمها تار شد جراح لازم است با استراحت خود فکر کند. مانند آن مسافر خسته که در کنار جاده نشسته و عبور اشخاصی را که بعد از او در این راه زیبا قدم نهاده اند می نگرند.

این بود خصائص اخلاقی و روحی و جسمانی که هر گاه بحد اعتدال و میزان معینی وجود داشته باشد میتواند معرف يك جراح خوبی باشد ولی برای جراح بزرگ و عالیقدر بودن کافی نیست. جراح بزرگ کارش سر مشق دیگران بوده و دارای روح اختراعی و حسن تفکر و بینائی سریع میباشد و بواسطه تجسس و اکتشافات جدید بقسمی برضد بیماری قیام می کند که مدتها پس از مرگ بحال بشر مفید میباشد در جراحی مانند سایر قسمتها مردان بزرگ کمیاب ولی زنده جاویدان اند.